

چاپ سی و ششم

شور زندگی

داستان پرماجرای زندگی ون گوگ

ابروینگ استون
مترجم: مارینا بیاتیان



ketabTala

ایروینگ استون

شور زندگی

مترجم مارینا بنیاتیان



۱۴۰۰

سرشماره	: استون، ابروینگ، م ۱۹۸۹ - ۱۹۰۲
عنوان و پدید آور	: شور زندگی / ابروینگ استون ترجمه ماریتا پنیاتیان
مشخصات نشر	: تهران: نشر نشانه، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۷۰۰ ص. مصور
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۶۵-۱۵۸
یادداشت	: این کتاب قبلاً تحت عنوان مشور زندگی: ماجرای زندگی ونسان وان گوگک نقاش هلندی، یا ترجمه محمدعلی ندوشن منتشر شده است.
یادداشت	: فهرستبویس بر اساس اطلاعات فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Lust for life; a novel of Vincent Van Gogh 19984 c1934
عنوان	: شور زندگی: ماجرای زندگی ونسان وان گوگک نقاش هلندی
موضوع	: داستانهای آمریکایی - قرن ۲۰ م
موضوع	: نقاشان - هلند - داستان
شماره افزوده	: پنیاتیان، ماریتا، مترجم
رده بندی کنگره	: PS۳۵۰۳ / ش ۴ / ۱۳۸۳
رده بندی دبری	: ۱۳۸۳ ش ۱۳۸۳ الف / ۵۲ / ۸۱۳
شماره کتابخانه ملی	: ۸۲۴۰۹۸۳ م



شور زندگی

نویسنده: ابروینگ استون Lust for Life

ترجمه: ماریتا پنیاتیان Irving Stone

چاپ سی و ششم: ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰

طراح جلد: حسن گل

ویراستار: شهرزاد رفیعا

نمونه خوان: شیوا حسینی

حروفچین: و صفحه آرایی: فاطمه بابایی

ش شور زندگی گزینی نشده



پلاک ۱۴، واحد ۶
email: nashr.neshaneh

۹۷۸۰۲۰۰۰۰۰۰۰

میدان انقلاب، خیابا
تلفن ۶۶۹۰۸۶۱۰ - هم

ما را در اینستاگرام به نشانی nashr.neshaneh دنبال کنید.

حق چاپ و انتشار مخصوص نشر نشانه است.

فہرست مطالب

۹ لندن
۴۷ کتاب اول: بوریناژ
۱۶۷ کتاب دوم: اٹن
۲۳۳ کتاب سوم: لاہہ
۳۵۷ کتاب چہارم: نونن
۴۱۹ کتاب پنجم: پاریس
۵۳۹ کتاب ششم: آرل
۶۲۹ کتاب ہفتم: سن رمی
۶۶۳ کتاب ہشتم: اوور

ایروینگ استون^۱ در سال ۱۹۰۳ در سان‌فرانسیسکو به دنیا آمد. در ۱۹۲۳ موفق به اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه برکلی^۲ کالیفرنیا شد و در ۱۹۲۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی دریافت کرد. تا پیش از انتشار اولین رمانش شور زندگی^۳ با نوشتن داستان‌های پلیسی - جنایی برای نشریات مختلف روزگار می‌گذراند. استون به کارهای خود نام «شرح حال نویسی» را اطلاق کرد و رمان‌هایش را براساس تحقیق و پژوهش جامع و موشکافانه در خصوص زندگی شخصیت‌های واقعی بنا نهاد. در ۱۹۳۴ با ویراستار خود جین استون^۴ ازدواج کرد. در ۱۹۶۲ آکادمی شاعران آمریکایی را تأسیس کرد. وی در ۱۹۸۹ در لس‌آنجلس درگذشت.

این کتاب، زندگینامه‌ی ونسان ون‌گوگ را در قالب داستانی کلاسیک نشان می‌دهد. تاکنون هیچ هنرمندی به اندازه‌ی ون‌گوگ تحت تأثیر نبوغ و خلاقیت خود، چنین عنان‌گسیخته پیش نرفته و در عین حال، تا این حد از

1. Irving Stone

2. Berkley

3. Lust For Life

4. Jean Stone

پیش‌پافتاده‌ترین خوشی‌های زندگی محروم نبوده است.
 نقاش نابغه‌ای که زندگی‌اش کشمکش بی‌وقفه در برابر فقر،
 سرخوردگی، جنون و نومیدی بود.

شور زندگی با مهارت تمام جوّ پر التهاب پساامپرسیونیست‌های پاریس را به
 تصویر می‌کشد و با بینش و بصیرتی عمیق به بازتولید پیشرفت هنری ونگوگ
 می‌پردازد.

در این کتاب ونگوگ نقاش نه تنها به عنوان یک هنرمند مطرح می‌شود
 بلکه زندگی پر آشوب، پر تکاپو و پر عذابش در قالب داستانی مملوّ از شور و
 احساس و عاطفه ارائه می‌گردد؛ آنچه نمونه‌اش را در کمتر رمانی می‌توان
 یافت.

لندن

۱

— موسیو ون گوگ^۱! دیگه وقت بیدار شدنه!
ونسان^۲ حتی هنگام خواب هم در انتظار شنیدن صدای اورسولا^۳ بود. داد
زد:

— مادمازل اورسولا، من بیدار بودم.
دختر خندید و گفت:

— نه بیدار نبودین ولی حالا چرا، بیدارین.
ونسان صدای پای او را شنید که از پله‌ها پایین رفت و وارد آشپزخانه شد.
سپس دست‌هایش را زیر کمرش گذاشت، خود را تکانی داد و از تخت بیرون
پرید. سینه و شانه‌هایی ستبر و بازوانی کلفت و نیرومند داشت. به سرعت
لباس‌هایش را پوشید، کمی آب سرد از داخل ظرفی خالی کرده، تیغ
ریش‌تراشی‌اش را تیز کرد.
او مناسک و تشریفات اصلاح صورتش را بسیار دوست داشت: از خط

1. Van Gogh

2. Vincent

3. Ursula

ریش سمت راست شروع می‌کرد، برگونه‌ی پهنش پایین می‌آمد و به سمت گوشه‌ی دهان خوش ترکیبش می‌رفت. آن‌گاه نویت به نیمه‌ی راست لب بالایی می‌رسید و بعد نیمه‌ی چپ آن و سپس چانه‌اش که شبیه به تکه‌ی گرد و بزرگی از سنگ خارای گرم بود.

صورتش را در دسته‌ای از علف‌های برابانت^۱ و برگ‌های بلوط که برادرش تنو^۲ از علفزارهای زوندرت^۳ چیده و برایش فرستاده بود، فروکرد. آغاز روز با بوی هلند، شروع خوبی بود.

اورسولا بار دیگر ضربه‌ای به در زد و گفت:

— موسیو ون‌گوگ، پستیچی همین الان این نامه رو برای شما آورد.

همان‌طور که در پاکت را باز می‌کرد، دستخط مادرش را شناخت: «ونسان

عزیزم، می‌خواهم چند کلمه‌ای برایت بنویسم...»

احساس کرد صورتش را عرق سردی پوشانده است. با خود فکر کرد که نامه را حین ساعات بیکاری در گوپی^۴ بخواند و آن‌را در جیب شلوارش بچپاند. موهای بلند، پر پشت و حنایی‌رنگش را به سمت عقب شانه زد، پیراهنی سفید و آهاردار پوشید، دستمال‌گردن مشکی را با گره‌ای بزرگ به گردن بست و به پیشواز صبحانه و لبتخند اورسولا از پله‌ها پایین رفت.

اورسولا لویر^۵ و مادرش که بیوه‌ی معاون کشیش دهکده بود، مهدکودک پسرانه‌ای را در ساختمان کوچکی در باغ پشتی خانه اداره می‌کردند. اورسولا نوزده سال داشت: دختری خنده‌رو با چشمانی درشت و صورت بیضی‌شکل ظریف، پوستی روشن و اندامی کشیده. ونسان عاشق لبتخند او بود؛ لبتخندی که همچون روشنائی بازتابیده از سایبانی رنگارنگ، چهره‌ی دلنشین دخترک را دربرمی‌گرفت.

مادامی که ونسان مشغول خوردن بود، اورسولا با حرکات تند، ظریف و

1. Brabant

2. Theo

3. Zundert

4. Goupil

5. Loyer

دلریا در عین حال که با سرزندگی و نشاط حرف می‌زد، صبحانه را برایش سرو می‌کرد. ونسان بیست و یک سال داشت و اولین بار بود که عاشق می‌شد. زندگی درهای رحمت خود را به‌رویش گشوده بود. فکر می‌کرد اگر می‌توانست تا آخر عمر، صبحانه‌اش را کنار اورسولا صرف کند، مرد بسیار خوشبختی خواهد بود.

اورسولا برایش لایه‌ای بیکن^۱ همراه با تخم‌مرغ و یک فنجان چای پررنگ آورد. در حالی که روی صندلی کنار ونسان می‌نشست، موهای تابدار و قهوه‌ای‌رنگش را پشت سرش جمع کرده، به ونسان لبخند زد و فرزند و چابک، نمک، فلفل، کره و نان تست را یکی پس از دیگری جلو او گذاشت. همان‌طور که لب‌هایش را با زبانش خیس می‌کرد، گفت:

— گیاه اسپرک^۲ شما یه کم بزرگ شده، نمی‌خواهین قبل از این که به گالری برین سری بهش بزنین؟

— بله، نشونم... منظورم اینه که ممکنه جاشو نشونم بدین؟

— چه آدم مضحکیه، خودش اونو کاشته ولی حالا جاشو نمی‌دونه! این عادت اورسولا بود، چنان بی‌پرده و با صدای بلند نظرش را در مورد مخاطبش می‌گفت، گویی طرف اصلاً در اتاق حضور ندارد.

ونسان آب دهانش را قورت داد. حرکاتش نیز همچون هیکلش سنگین بود. به‌دنبال کلمات مناسبی گشت تا جواب اورسولا را بدهد ولی موفق نشد. وارد حیاط شدند. صبح سردی بود در ماه آوریل و با این حال درختان سیب شکوفه داده بودند. باغ کوچکی خانه را از مهدکودک جدا می‌کرد. ونسان چند روز پیش در آن‌جا خشخاش و نخود کاشته بود. گیاه اسپرک او داشت کم‌کم سر از خاک بیرون می‌آورد. ونسان و اورسولا جویری دو طرف آن چمپانته زدند که سرهایشان تقریباً مماس یکدیگر قرار گرفت. موهای اورسولا عطری

این کتاب زندگینامه‌ی ونسان ون‌گوگ را در قالب داستانی کلاسیک نشان می‌دهد. ناکسون هیچ هنرمندی به اندازه‌ی ون‌گوگ تحت تأثیر نبوغ و خلاقیت خود، چنین عیان‌گسیخته پیش‌ترفته و در همین حال، از پیش‌یا افتاده‌ترین خوشی‌های زندگی محروم نبوده است. تلاش ناپه‌ای که زندگی‌اش کشمکش بی‌وقفه در برابر فقر، سرخوردگی، جنون و نومیدی بود.

ISBN 978-961-5965-15-6



9 789615 965156

